

نقش عملکرد حسابرسان داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی

مرتضی باوقار^{۱*}

علیرضا خیالستان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

چکیده

تعیین اثر عملکرد حسابرسان داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی در شرکتهای جنوب ایران هدف این مطالعه می باشد. روش پژوهش به صورت کمی و توصیفی- پیمایشی و از نوع کاربردی بوده است و داده های پژوهش که به صورت مقطعی و در نیمه اول سال ۱۴۰۳، از طریق پرسشنامه که بین اعضای نمونه توزیع و در مدت زمان مشخصی جمع آوری گردید و روایی به صورت اعتبار صوری و پایایی داده ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ و تحلیل رگرسیونی آن پرداخته شد. در همین راستا جامعه آماری، شرکتهای جنوب ایران می باشد و نمونه آماری نیز شامل ۸۵ نفر از حسابرسان داخلی فعال در این شرکت ها می باشند که با استفاده از روش سرشماری انتخاب شده اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که عملکرد حسابرسان داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی در شرکتهای جنوب ایران تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ بنابراین، نسبت حسابرسان دارای شهرت مثبت به حسابرسان دارای شهرت منفی اثر مثبت و حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد اثر منفی بر ارتقای کیفیت حسابرسی ایجاد میکند اما به حالت کلی و با ضریب اثری دهی بیشتر فرضیه ویژه اول نقش حسابرسان داخلی بر اقدامات ارتقای کیفیت حسابرسی مثبت میباشد.

واژگان کلیدی

حسابرسان داخلی، اقدامات ارتقاء، کیفیت حسابرسی، رفتار ناکارآمد، شهرت مثبت، شهرت منفی

۱. استادیار گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. (* نویسنده مسئول:

bavagharmorteza@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

khialestanalireza@gmail.com)

مقدمه

حسابرسان اغلب با موقعیت‌هایی مواجه می‌شوند که در آن موقعیت عمل به تعهدات حرفه‌ای، هزینه‌های شخصی بالقوه‌ای ایجاد می‌کند. با تکیه بر نظریه شهرت در سازمان‌ها، پیش‌بینی کردند که هزینه‌های درک شده مرتبط با عمل به تعهدات حرفه‌ای برای حسابرسانی که دارای شهرت مثبت هستند، کمتر می‌باشد؛ که به نوبه خود بر این اقدامات آنها تأثیر می‌گذارد. در اولین آزمایش آنها، شرکت‌کنندگان دریافتند که حسابرسان دارای شهرت منفی هنگام پیش‌بینی مازاد بودجه، با مجموعه انتخاب‌های محدودتری مواجه می‌شوند. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان دریافتند که به احتمال زیاد افرادی که شهرت مثبت دارند، مازاد بودجه را به طور پیوسته گزارش می‌کنند و کمتر احتمال دارد که ساعات کار را کمتر گزارش کنند. نتیجه‌ای که به واسطه تأثیر پیش‌بینی شده در مورد ارزیابی‌های «بی پرده» میانجی‌گری می‌شود. در آزمایش دوم، آنها شهرت را در یک شبیه‌سازی واقعی به صورت عمدی دستکاری نمودند و یک رابطه علی بین شهرت و اقدام شکاکانه حسابرسان را نشان دادند. در مجموع، آزمایش‌های آنها شواهدی ارائه می‌دهند که شهرت درک شده حسابرس بر انتخاب آنها برای مشارکت در رفتارهای افزایش کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد (ایملی و همکاران^۱، ۲۰۲۲). نظریه شهرت در سازمان‌ها، شهرت را به عنوان یک هویت متمایز از توانایی یا شایستگی واقعی ادراکی توصیف می‌کند. اگرچه بر اساس ادراک دیگران در یک سازمان به وضوح مرتبط است (زینکو و همکاران^۲، ۲۰۰۷)، شهرت یک فرد می‌تواند متفاوت و حتی متضاد باشد، همانطور که افراد یا گروه‌های مختلف در داخل آن سازمان درک می‌کنند (فریس و همکاران^۳، ۲۰۰۳). محیط حسابرسی محیطی است که حسابرسان و کارکنان در آن هستند، باید مراقب شهرت آنها باشد. حسابرسان تازه کار معمولاً در ابتدای کار خود با چندین سرپرست کار می‌کنند (وسترمان و همکاران^۴، ۲۰۱۵)؛ و آن سرپرستان به آسانی تصورات شرکت خود را از کارکنان خود با دیگران در میان می‌گذارند (گونین و همکاران^۵، ۲۰۱۴). آنها پیشنهاد می‌کنند که این ویژگی‌ها و سایر ویژگی‌ها، مانند چندین سرپرست، ارزیابی‌های مکرر، هنجارهای سازمانی واضح و مقایسه با دیگران (به عنوان مثال، نرخ بهره برداری، زمان قابل شارژ)، ایجاد یک محیطی که در آن شهرت حسابرسان بر ساختار هزینه شخصی آنها تأثیر می‌گذارد و در نتیجه بر رفتار آنها تأثیر می‌گذارد را نیز بررسی نمایند (ایملی و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر این، حسابرسان در یک محیط یادگیری پویا کار می‌کنند و این امکان را فراهم می‌کند که شهرت یک فرد بر اساس آن باشد و تعاملات اولیه به سرعت صلاحیت آنها به روز نمی‌شود؛ بنابراین، نه تنها شهرت یک سازه برجسته در محیط حسابرسی است، بلکه ممکن است همیشه منعکس‌کننده شایستگی فعلی نباشد. نکته مهم این است که حسابرسان از پویایی شهرت آگاه هستند. برای برای مثال، حسابرسان تشخیص می‌دهند که مدیریت شهرت می‌تواند احتمال ارتقا و انتساب به افراد بیشتری را با مشتریان مطلوب افزایش دهد (گونین و همکاران، ۲۰۱۴). شهرت مثبت حسابرس به عنوان سیگنالی عمل می‌کند که ابهام درک شده از اقدامات حسابرس را کاهش می‌دهد. شرایط عدم قطعیت به دیگران اجازه می‌دهد تا اعمال خود را به نحو مطلوب تری تفسیر کنند. بر این اساس، شهرت، استقلال حسابرسان را در سازمان فراهم می‌کند و برخلاف انتظارات سازمانی عمل

¹ - Emily and etal

² - Zinko and etal

³ - Ferris and etal

⁴ - Westermann and etal

⁵ - Guenin and etal

کنند (زینکو و همکاران، ۲۰۰۷؛ زینکو و همکاران، ۲۰۱۲). این خودمختاری مبتنی بر «اعتبارات خاص» است. از طریق عملکرد در سطح یا فراتر از هنجارها و انتظارات سازمانی به دست آمده است. در مقابل، اقدام علیه هنجارهای سازمانی منجر به صرف این اعتبارات توسط حسابرس می شود. در نتیجه، شهرت به دلیل به روزرسانی مداوم از مشاهده مستقیم بعدی یا منابع ثانویه رفتار آنها موقتی است (به عنوان مثال، همانطور که آنها اعتبارات خاص را به دست می آورند یا خرج می کنند) و در واقع می توانند به عنوان شکننده تلقی شوند (ایملی و همکاران، ۲۰۲۲). حسابسان اغلب در موقعیت‌های دشواری قرار می گیرند که در آن فشارهای اجتماعی یا فردی هزینه های حرفه ای می تواند اقدام افزایش کیفیت را منصرف کند. برای مثال، برازل و همکاران (۲۰۱۶) نشان می دهند که چگونه سرپرستان حسابسانس را که برای بررسی تحریف احتمالی اقدام مناسبی انجام می دهند، در صورتی که تحریف وجود ندارد، متعاقباً کشف شد جریمه می کنند (یعنی اثر نتیجه). مطالعات مرتبط نشان می دهد که اجتناب از اقدام افزایش کیفیت خاص یا درگیر شدن در رفتار ناکارآمد می تواند منجر به نتایج مثبت بیشتر برای حسابسان شود. در این مطالعه، آنها از اصطلاح هزینه های شخصی برای اشاره به هزینه هایی که شخصا توسط حسابرس تجربه کرده اند در این اصطلاح استفاده نمودند، آنها سه نوع هزینه خاص را شناسایی کردند: هزینه های اجتماعی (به عنوان مثال، ناراحت کردن یک همکار)، هزینه های حرفه ای (به عنوان مثال، دریافت یک بررسی عملکرد ضعیف) و هزینه های منابع (صرف زمان اضافی یا تلاش شناختی). با توجه به ساختار اجتماعی و شهرت، آنها بر این هزینه های اجتماعی و حرفه ای بیش از هزینه های منابع شخصی تمرکز نمودند (برازل و همکاران، ۲۰۱۶). احتمال می رود که حسابسان برای ارتقاء کیفیت حسابرسی، از عملکرد حسابسان داخلی بخواهند که به صورت مداوم به بررسی اطلاعات شرکت بپردازد و باعث شود گزارشهایی را طراحی نماید که منجر به تأیید توسط حسابسان مستقل گردد و در نهایت ارتقاء کیفیت حسابرسی را به دنبال داشته باشد. از این رو، تلاش این پژوهش بر این بوده است که بررسی تأثیر عملکرد حسابرس داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی در شرکت های جنوب ایران مورد سنجش قرار گیرد؛ به طوری که بتواند به این سوال پاسخ دهد که آیا اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی تحت تأثیر عملکرد حسابسان داخلی قرار میگیرد یا خیر؟

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

وجود عواملی نظیر پیچیدگی های محیط کسب و کار، مواجهه شرکت با ریسکهای مختلف و تأثیری که این ریسکها بر عملکرد شرکت و بازده ذینفعان دارد، نهادهای نظارتی و شرکتهای را بر آن داشت تا راه حلی برای مواجهه صحیح با اینگونه ریسکها بیندیشند که ازجمله مهمترین این اقدامات ایجاد واحدهای حسابرسی داخلی در شرکتها می باشد. در ایران نیز سازمان بورس اوراق بهادار پروژه بهبود نظام راهبری شرکتی را در دستور کار خود قرار داده است که تشکیل واحد حسابرسی داخلی در راستای الزامات دستورالعمل کنترل های داخلی ناشران بورسی و فرابورسی از آن جمله می باشد. حضور تابع حسابرسی داخلی خانگی تعهد شرکتها نسبت به شیوه های حکمرانی خوب را نشان می دهد. همانطور که حسابرسی داخلی خانگی قادر به ارایه پوشش بیشتر از حوزه حسابرسی می باشد. علاوه بر این، دخالت کمیته حسابرسی در بررسی برنامه حسابرسی داخلی و ارایه تاییدیه در مورد منشور حسابرسی به شدت در اعطای استقلال بیشتر به کارکرد حسابرسی داخلی مورد نیاز است. با توجه به ترکیب تکنیک تضمین کیفیت در فعالیتهای حسابرسی داخلی،

به حسابرسی داخلی کمک می‌کند تا از بروز کمبودهای مواد جلوگیری شود (ایملی و همکاران، ۲۰۲۲). آغاز قرن بیست و یکم مقارن با بحران های مالی و ورشکستگی بسیاری از افراد و شرکتها بود. پس از این رویداد کشورهایی که مستقیماً تحت تاثیر این بحرانها بودند به منظور جلوگیری از وقوع مجدد آن و کشورهایی که تاثیر کمتری پذیرفتند به منظور پیشگیری از آن، اقدام به وضع مجموعه قوانین، مقررات و استانداردهایی نمودند که به طور عام موجبات پیدایش حوزه جدیدی از ادبیات کسب و کار با عنوان نظام راهبری شرکتی را فراهم آورد. از این رو برخی صاحب نظران از عصر حاضر به عنوان دوران راهبری شرکتی یاد میکنند (بیکر و اندرسون^۷، ۲۰۱۰). نظام راهبری شرکت محل تقابل بازیگران داخلی و خارجی و هیأت مدیره شرکت در راهبری صحیح آن به سوی ایجاد ارزش است. نیاز روز افزون و انتظارات ذی نفعان مختلف از بازیگران عرصه راهبری شرکت در حوزه پاسخگویی، منتج به توجه و اتکای بیشتر به یکی از مکانیزم های اصلی نظام راهبری شرکتی به نام حسابرسی داخلی شده است (کوهن و همکاران^۸، ۲۰۱۰). به گونه ای که حسابرسی داخلی (پس از هیأت مدیره و کمیته حسابرسی به عنوان الیه سوم دفاعی) یکی از سیستم های کلیدی نظام راهبری شرکتی و منبعی از اطلاعات برای گروه هایی همچون کمیته حسابرسی، مدیریت ارشد و حتی حسابسان مستقل شده است که نقش آن در طول زمان تکامل یافته است (پراویت و همکاران^۹، ۲۰۱۱). در ایران نیز همراه با تحول محیط اقتصادی در سالهای اخیر به این مکانیزم نظارتی بیشتر توجه شده است به گونه ای که حسابرسی داخلی به عنوان یکی از ارکان نظام راهبری شرکتی (زیر مجموعه کمیته حسابرسی) تلقی شده و نقش تعیین کننده در گزارشگری مالی و اعتبار صورتهای مالی دارد (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۴)؛ بنابراین شناسایی فاکتورهایی که باعث دستیابی به حسابرسی داخلی اثربخش خواهند شد بسیار مهم به نظر میرسد؛ اما اینکه فاکتورهای تعیین کننده اثربخشی حسابرسی داخلی چه می باشند و چگونه این عوامل میتوانند بر این حوزه تاثیر داشته باشند، سوال هایی است که پژوهش های مختلفی را در حوزه اثربخشی حسابرسی داخلی موجب شده اند و از این رو پژوهشگران این حوزه، رویکردهای مختلفی را در پژوهش و بررسی عوامل حسابرسی داخلی اثربخش ارائه کرده اند (آرنا و آزون^{۱۰}، ۲۰۰۹). علیرغم این تلاشها، نتایج پژوهشها نشان میدهد که تا کنون اتفاق نظری در خصوص مناسب ترین چارچوب حسابرسی داخلی اثربخش حاصل نشده است (اندایا و هانافه^{۱۱}، ۲۰۱۳). از سوی دیگر عمده درک موجود از اثربخشی حسابرسی داخلی و تمرکز پژوهشهای پیشین، صرفاً معطوف به دیدگاه یکی از ذینفعان (حسابسان مستقل) بوده و از توجه به رویکردها و نیازهای اطلاعاتی سایر ذینفعان غفلت شده است (گرملینگ و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۴). همچنین در کشور ما نیز با توجه به نوپا بودن واحدهای حسابرسی داخلی و عدم وجود استانداردهای حسابرسی داخلی ملی در ارتباط با رویه های اجرای حسابرسی داخلی، عدم توافق قابل توجهی میان فعالان حرفه در خصوص اثربخشی خدمات حسابرسی داخلی وجود دارد. لذا علی رغم جدی شدن موضوع حسابرسی داخلی در سالهای اخیر در کشور، درک مقبول و مشخصی از کیفیت و اثربخشی کار این واحد وجود ندارد اما روند شکل گیری این تفکر چه در جوامع دانشگاهی و چه در حرفه بسیار سریع است و پیش بینی میشود

⁷ - Baker, H.K., & Anderson, R

⁸ - Cohen and etal

⁹ - Prawitt and etal

¹⁰ - Arena, M., & Azzone, G

¹¹ - Endaya, A& Hanefah, M

¹² - Gramling and etal

مقوله اثربخشی حسابرسی داخلی و معیارهای آن در سال‌های آتی، در کانون توجه صاحب‌نظران و فعالان این حوزه قرار گیرد (زیوری کامران و فخاری، ۱۳۹۸).

چارچوب‌های مختلف در مورد کیفیت حسابرسی هم از دید تئوریک و هم از دید تجربی بیانگر این هستند که ارزیابی کیفیت حسابرسی یک چالش چند جانبه است (دومس و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۲). از دیدگاه تجربی، کیفیت حسابرسی با درجه‌ای گفته می‌شود که حسابرسی با استانداردهای حسابرسی مطابقت داشته و باعث ارتقا قابلیت اعتماد و منصفانه بودن اظهارنامه‌های مالی برای کاربران شود. از دیدگاه تحقیقاتی، دی آنجلو در سال ۱۹۸۱، یک تعریف که مورد استفاده بسیاری از دانشمندان است ارائه کرده است که در آن کیفیت حسابرسی احتمال مشترک شناسایی و گزارش دهی تحریفات با اهمیت است. طبق تعریف دی آنجلو در سال ۱۹۸۱، کیفیت حسابرسی حتمال مشترک ارزیابی بازار است که یک حسابرس مشخص هم نواقص را در گزارشهای مشتری پیدا میکند و هم آنها را کامل گزارش میدهد. تعریف دی آنجلو دو جنبه مهم از کیفیت حسابرسی را مشخص میکند: اولاً، صلاحیت حسابرس که تعیین کننده اینست که این فرد تا چه حد قادر به شناسایی نواقص است و ثانیاً، استقلال حسابرس که تعیین کننده احتمال رفتاری حسابرس است. برای رعایت استانداردهای حسابرسی، حسابرسان مکانیزم‌هایی دارند که از طریق این مکانیزم‌ها آنها میتوانند بطور دقیق مدیریت سود را هم در قالب مدیریت سود واقعی و هم مدیریت سود ترازنامه‌ای بررسی کنند (الهدب و کلاچر^{۱۴}، ۲۰۱۸). حسابرسی ابزار کاهش ریسک اطلاعاتی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی است. هر چه کیفیت حسابرسی بالاتر باشد، عدم تقارن اطلاعاتی نیز کاهش می‌یابد. کیفیت حسابرسی مفهومی چندوجهی دارد که میتوان آن را از دیدگاه‌های مختلف، مورد بررسی قرار داد. در ادبیات پژوهشی مرتبط با کیفیت حسابرسی، این موضوع مطرح است که افزایش کیفیت حسابرسی سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد (آگیمسا و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۹). حسابرسان با کیفیت‌تر، انگیزه بیشتری برای کشف اشتباهات یا ارائه نادرست صورتهای مالی دارند؛ زیرا، آنها سرمایه‌گذاری بیشتری روی شهرت موسسه خود کرده‌اند. نتایج پژوهشهای چانگ و همکاران در سال ۲۰۰۸، مشخص نمود شرکت‌هایی که به‌وسیله حسابرسان باکیفیت حسابرسی میشوند، پدیده ارازنفروشی عرضه‌های اولیه عمومی سهام در آنها، کمتر رخ میدهد؛ بنابراین، با مرور مبانی نظری، مشخص گردید که دیدگاه بازار در رابطه با اطلاعات ارائه شده شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص حسابرسی شده‌اند، این است که این اطلاعات کاملتر، مربوط‌تر و قابل اتکاتر هستند. لذا، میتوان انتظار داشت به دلیل کیفیت و شفافیت اطلاعات ارائه شده توسط شرکت‌هایی که توسط موسسات حسابرسی متخصص در صنعت، حسابرسی شده‌اند، عدم تقارن اطلاعاتی برای این شرکتها کاهش یابد. شرکتها برای جبران هزینه‌های عدم تقارن اطلاعاتی، مجبور به قیمت‌گذاری ارزان عرضه اولیه خود نیستند؛ بنابراین، انتظار بر این است که کیفیت حسابرسی رابطه بین کیفیت بالای گزارشگری مالی و قیمت‌گذاری کمتر از حد عرضه‌های اولیه عمومی سهام را تقویت نماید (نمازی و عزیزی، ۱۴۰۰).

ایملی و همکارانش دو آزمایش را با روش‌های مکمل طراحی کردند که اعتبار همگرا ایجاد می‌کند، به طور مشترک چگونگی شهرت بر ساختار مشوق هزینه‌های اجتماعی و حرفه‌ای حسابرسان کارکنان را بررسی می‌کنند و بر نتایج آنها تأثیر می‌گذارد. احتمال درگیر شدن در اقدام افزایش کیفیت یا رفتارهای حسابرسی ناکارآمد وجود دارد. آزمایش اول

¹³ - Deumes and etal

¹⁴ - Alhadab, M., & Clacher, I

¹⁵ - Agyei-Mensah and etal

شخص برای بررسی از روش سوم اقدامات متعدد استفاده نمود؛ بنابراین، هزینه های نسبی هر عمل و همچنین تأثیر آن بر رفتار احتمالی را در نظر گرفتند. شرکت کنندگان با تجربه حسابرسی اقدامات حسابرسان کارکنانی را در نظر می گیرند که بر اساس وی شهرت مثبت یا منفی پیدا کرده است اقدامات مربوط به تعهدات قبلی ما همچنین یک شرط سوم را در نظر گرفتند که در آن حسابرسان دارای شهرت منفی با یک خاص است مدیر است، اما در کار خود مهارت بالایی دارد. آنها از این شرط برای جداسازی اثر شهرت با به تصویر کشیدن کارکنان استفاده نمودند حسابرسان با شهرت منفی که در واقع از صلاحیت بالایی برای اقدام افزایش کیفیت برخوردار است. به طور فعال به مدیر می گوید که یک وظیفه بیش از بودجه انجام خواهد شد که ممکن است مدیر را عصبانی کند اما به مدیر اجازه می دهد تا بیش از حد در برنامه حسابرسی و حفظ کیفیت حسابرسی. رفتار ناکارآمد مورد علاقه، زمان گزارش کمتر است (نلسون و پرول^{۱۶}، ۲۰۱۸). نتایج حاکی از آن است که حسابرسان نتیجه را برای مشارکت در اقدام افزایش کیفیت پیش بینی می کنند، زمانی که بیش از بودجه به آن بستگی دارد. شهرت حسابرسان: انتظار می رود کسانی که شهرت مثبت دارند، نتیجه مطلوبی دریافت کنند، در حالی که آنهایی که دارای شهرت منفی هستند. حسابرسان بدون شهرت مثبت، رفتار ناکارآمد (یعنی زمان گزارش کمتر) را تنها رفتار می دانند. راهی برای دریافت یک ارزیابی مطلوب تحلیل های میانجی گری نشان می دهد که ارزیابی های مورد انتظار (یعنی هزینه حرفه ای/اجتماعی) احتمال درگیر شدن در هر دو اقدام افزایش کیفیت و رفتار ناکارآمد را تغییر می دهد (ایملی و همکاران، ۲۰۲۲). با توجه به اینکه ممکن است در شرکتها عواملی وجود داشته باشد که بر ارتقاء کیفیت حسابرسی اثر داشته باشد، به این مورد اشاره میکنند که عملکرد حسابرسان داخلی میتواند در این راستا کمک نمایند؛ بنابراین برای اینکه بتوان کیفیت حسابرسی توسط حسابرسان مستقل را تقویت نمود، میتوانند از گزارشهایی که توسط حسابرسان داخلی انجام میشود استفاده نمایند و براساس نتایج آنها و با بررسیهای بیشتر به کیفیت حسابرسی ارتقاء دهند. از این رو، مطالعه حاضر به بررسی تأثیر عملکرد حسابرسان داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی در شرکت های جنوب ایران پرداخته است.

حسابرسان داخلی: امروزه در شرکتها برای بررسی فعالیتهای مربوط به اطلاعات مالی و غیرمالی فرآیند عملیاتی به حسابرسانی احتیاج است که بتواند در شرکت به رسیدگی امور شرکت پردازد. از این رو حسابرسان داخلی استخدام شده اند تا با فعالیتهای خود و بررسی های انجام شده بتوانند گزارشهایی را در این راستا تهیه نمایند و منجر به بهبود عملکرد و اعتماد مدیران و سرمایه گذاران شود. حسابرسان داخلی شرکت جزء نیروی افراد شاغل در آن سازمان محسوب میشوند و حق الزحمه خود را از همان سازمان دریافت میکنند و در بخش مالی شرکت فعالیت دارند که گزارش مربوطه را تهیه و در اختیار مدیریت شرکت قرار میدهند. همچنین حسابرسان داخلی میتوانند گزینه مناسبی برای مدیران و علاوه بر آن برای سهامداران و سرمایه گذاران یا سایر ذینفعان باشند و به طوری که حتی حسابرسان مستقل نیز به بررسی های آنها و گزارشی که تهیه نموده اند، اهمیت میدهند و منجر به رشد کارایی یک شرکت می گردند. حسابرسان داخلی میتوانند با تهیه گزارش به موقع و نتیجه آن باعث شوند که مدیران برای تصمیم گیری فعالیتهای خود به آن توجه نشان دهد و بر مبنای آن بتواند تصمیمات آتی را به مرحله اجرا درآورد و موجب رشد کیفیت حسابرسی در شرکت گردد (ایملی و همکاران، ۲۰۲۲).

اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسي: هر شرکتی با توجه به نوع فعالیت خود و میزان بزرگی یا میزان فعالیت خود و برنامه ها یا اهدافی که انجام میدهند، حسابرسان به رسیدگی امور آن شرکت میپردازند که در این راستا حسابرسان داخلی و مستقل نقش به سزایی ایفا میکند. شرکتهای بزرگ برای رسیدگی به امور فعالیتهای خود علاوه بر حسابرسان داخلی از حسابرسان مستقل نیز کمک میگیرد تا با اطمینان بیشتری به فعالیتهای خود بپردازد. حسابرسان داخلی و مستقل بعد از رسیدگیها و بررسیهایی که در شرکت انجام میدهند، گزارش نهایی از اظهارنظر خود ارائه میدهند که باعث میشود. مدیران و سایر ذینفعان به آن توجه نشان دهند. این گزارش میتواند به مدیریت و تصمیمات جاری و آتی شرکت کمک قابل توجهی داشته باشد؛ از این رو کیفیت حسابرسي یا کیفیت گزارش حسابرسي برای مدیران حائز اهمیت است به طوری که هرچه گزارش با کیفیت تری ارائه نمایند، میتواند اطمینان و اعتماد مدیران و سایر ذینفعان را بیشتر جلب نماید و از طرفی منجر به تصمیم گیری بهتری شوند؛ پس مدیران به کیفیت گزارشگری بالاتری احتیاج دارند و از طرفی حسابرسان تلاش میکنند تا گزارش مطلوب تری ارائه دهند و منجر به رشد کیفیت حسابرسي شوند و به نوعی منجر به ارتقاء کیفیت حسابرسي شوند که اقدامات لازم را میتوانند از حسابرسان داخلی نیز بهره ببرند و با توجه به گزارش تهیه شده توسط حسابرسان داخلی، میتوانند به نتیجه بهتری دست پیدا نمایند و در نهایت منجر به اثردهی و رشد اعتبار شرکت برای مدیران، مالکان، سهامداران، سرمایه گذاران و سایر ذینفعان شوند (ایملی و همکاران، ۲۰۲۲).

پورطاهر اقدام و همکاران (۱۴۰۲)، تبیین روابط میان کیفیت حسابرسي و کارایی عملیاتی شرکت با در نظر گرفتن معیار تخصص حسابرسي در صنعت و حق الزحمه حسابرسي را بررسی نمودند. طبق نتایج تخمین مدل؛ زیر بخشهای ویژگیهای کیفیت حسابرسي شامل؛ تخصص حسابرسي در صنعت و حق الزحمه حسابرسي بر کارایی عملیاتی شرکتهای بورسي معنیدار می باشند، عبارتی در صورتی که تخصص حسابرسي یک واحد افزایش یابد، کارایی عملیاتی شرکتها ۳۵ واحد افزایش می یابد و اگر حق الزحمه حسابرسي بعنوان شاخص کیفیت حسابرسي یک واحد افزایش یابد، کارایی عملیاتی شرکتها ۲ واحد افزایش می یابد. با توجه به نتایج این پژوهش می توان پیش بینی کرد، مؤسسات حسابرسي با اندازه بزرگ تر (مانند سازمان حسابرسي) نسبت به سایر مؤسسات، باعث افزایش قابلیت اتکای اقلام تعهدی واحدهای تجاری می شوند؛ بنابراین می توان به مجامع عمومی شرکتها توصیه کرد که از مؤسسات حسابرسي بزرگتر برای حسابرسي شرکت خود استفاده کرده پیشنهاد می شود، در انتخاب مؤسسات حسابرسي معتمد به شرکت هایی که از اندازه بزرگ تری برخوردارند، توجه بیشتری بکند. همچنین سرمایه گذاران باید در تصمیم گیری های خود در خرید سهام شرکت ها، به اندازه مؤسسات حسابرسي که شرکت را مورد حسابرسي قرار میدهند نیز توجه نمایند.

عمویی و همکاران (۱۴۰۲)، تعمیم پارادایم استرس در مقوله کیفیت حسابرسي با الحاق متغیرهای فرهنگ اخلاقی و فشار بودجه زمانی را بررسی نمودند. نتایج بررسیها نشان داد که عوامل تئوریک استرس زا (ابهام نقش، تعارض نقش و گرانباری نقش)، تضعیف فرهنگ اخلاقی و فشار بودجه زمانی موجب افزایش استرس حسابرسان میگردند. تضعیف فرهنگ اخلاقی موجب افزایش فشار بودجه زمانی میشود و علاوه براین، تضعیف فرهنگ اخلاقی و فشار بودجه زمانی موجب کاهش کیفیت حسابرسي میشوند. به این ترتیب، الگوی سنتی پارادایم استرس در مقوله حسابرسي، تعدیل و تقویت گردید.

ارواحی و رجایی زاده هرندي (۱۴۰۱)، به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسي داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج این پژوهش نشاندهنده آن است که ارتباط مثبتی بین حاکمیت شرکتی و کیفیت

گزارشگری مالی برقرار است بدین معنی که با افزایش حاکمیت شرکتی، کیفیت گزارشگری مالی افزایش خواهد یافت؛ علاوه بر این، بین کیفیت حسابرسی داخلی و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد بدین معنی که با افزایش کیفیت حسابرسی داخلی، کیفیت گزارشگری مالی افزایش خواهد یافت.

ایملی و همکاران^{۱۷} (۲۰۲۲)، به بررسی تأثیر حسابرس داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی پرداختند. شرکت کنندگان دریافته‌اند که حسابرسان دارای شهرت منفی هنگام پیش‌بینی مازاد بودجه، با مجموعه انتخاب‌های محدودتری مواجه می‌شوند. علاوه بر این، شرکت کنندگان دریافته‌اند که به احتمال زیاد افرادی که شهرت مثبت دارند، مازاد بودجه را به طور پیوسته گزارش می‌کنند و کمتر احتمال دارد که ساعات کار را کمتر گزارش کنند. نتیجه‌ای که به واسطه تأثیر پیش‌بینی شده در مورد ارزیابی‌های «بی پرده» میانجی‌گری می‌شود. در آزمایش دوم، آنها شهرت را در یک شبیه‌سازی واقعی دستکاری نمودند و یک رابطه علی بین شهرت و اقدام شکاکانه حسابرسان را نشان دادند. در مجموع، آزمایش‌های آنها شواهدی ارائه می‌دهند که شهرت درک شده حسابرس بر انتخاب آنها برای مشارکت در رفتارهای افزایش کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد.

احمد جاوید و لطیف^{۱۸} (۲۰۲۱)، در تحقیقی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر عملکرد شرکت با نقش تعدیل کننده رقابت بازار محصول پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که عملکرد مالی شرکت‌ها با کیفیت حسابرسی افزایش یافته است. شرکت‌های بسیار رقابتی شانس بیشتری برای به دست آوردن حداکثر سود و رابطه مثبت با عملکرد شرکت نشان دادند، در حالی که شرکت‌های کم رقابت با عملکرد شرکت ارتباط منفی داشتند. علاوه بر این، رقابت بازار محصول نقشی حیاتی در افزایش سود شرکت‌ها داشت. از یک طرف، ارتباط بین کیفیت حسابرسی و عملکرد شرکت به طور مثبت توسط رقابت بازار محصول ایجاد شد (پورطاهر اقدام و همکاران، ۱۴۰۲).

ویجایا^{۱۹} (۲۰۲۱)، تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بازار سهام اندونزی را مورد مطالعه قرار داد. نتایج پژوهش بیانگر این موضوع است که کیفیت حسابرسی تأثیر مثبتی بر ارزش شرکت‌های مذکور دارد؛ به عبارت دیگر شرکت‌هایی که حسابرسی باکیفیتتری داشته باشند در بازار سهام اندونزی ارزش سهام بالاتری خواهند داشت. لذا انتظار می‌رود تا حسابرسی باکیفیتتر کاهش هزینه نمایندگی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش ارزش سهام شرکت را در پی داشته باشد.

فرضیه‌های پژوهش به صورت ذیل تدوین شده است:

فرضیه اصلی: عملکرد حسابرس داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی اول: نسبت عملکرد حسابرسان دارای شهرت مثبت به عملکرد حسابرسان دارای شهرت منفی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم: عملکرد حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری دارد.

روش تحقیق:

روش منتخب با توجه به موضوع پژوهش، از روش توصیفی - پیمایشی استفاده شده است. این مطالعه از نظر هدف، جزء تحقیقات کاربردی است و به دلیل سنجش رابطه بین متغیرها از روش تحقیق همبستگی استفاده شد؛ پس موضوع بررسی

¹⁷ - Emily and etal

¹⁸ - Ahmad javid and latif

¹⁹ - Wijaya, A. L

تأثیر عملکرد حسابرس داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی در شرکتهای جنوب ایران را مورد سنجش قرار گرفت.

جامعه آماری مربوط به شرکتهای جنوب ایران و به روش مقطعی در نیمه اول سال ۱۴۰۳ می باشد، نمونه آماری از بین حسابرسان داخلی فعال در این شرکتها به صورت سرشماری و تصادفی انتخاب شد. افراد منتخب از جامعه آماری باید حداقل ۲ سال فعالیت داشته باشند.

روایی و پایایی ابزار سنجش: از آنجایی که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرها بالای ۰/۷۰ است، لذا چنین می توان اذعان داشت که هر یک از متغیرها و در نهایت ابزار پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است.

جدول ۱- آزمون آلفای کرونباخ برای گویه ها

مقدار آلفا	گویه ها
۰/۸۵	نسبت عملکرد حسابرسان داری شهرت مثبت به عملکرد حسابرسان دارای شهرت منفی
۰/۸۶	حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد
۰/۸۸	اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی

یافته های پژوهش:

ویژگیهای جنسیت، سن، تحصیلات افراد در دسترس نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲- توزیع فراوانی نمونه آماری

جنسیت	فراوانی	دامنه سنی	فراوانی	سطح تحصیلات	فراوانی
آقا	۷۴	۲۰ تا ۳۰ سال	۷	کاردانی	۳
خانم	۹	۳۰ تا ۴۰ سال	۳۸	کارشناسی	۲۲
		۴۰ تا ۵۰ سال	۳۶	کارشناسی ارشد	۴۸
		بیش از ۵۰ سال	۴	دکتری	۱۲
کل	۸۵	کل	۸۵	کل	۸۵

فرآیند تجزیه و تحلیل متغیرها

در این مرحله برای توصیف متغیرهای اصلی پژوهش از میانگین، انحراف معیار، بیشینه و کمینه داده ها استفاده شده است. با توجه به پرسشنامه که از طیف لیکرت استفاده شده، عدد یک بیانگر حد ضعیف و عدد ۳ بیانگر حد وسط و عدد ۵ بیانگر حد بالا در طیف لیکرت می باشد که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۳- تجزیه و تحلیل متغیرها در مدل

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
نسبت عملکرد حسابرسان دارای شهرت مثبت به عملکرد حسابرسان دارای شهرت منفی	۰/۳۶	۴/۳۰	۵/۰۰	۳/۲۵
حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد	۰/۳۳	۴/۲۸	۵/۰۰	۳/۴۸
اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی	۰/۳۲	۴/۳۲	۴/۹۵	۳/۳۵

همانطور که مشخص است بیشترین میانگین مربوط به اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی با میزان ۴/۳۲ و کمترین میانگین مربوط به حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد با ۴/۲۸ است.

آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف و ضریب آلفای کرونباخ

در جدول ذیل نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف خلاصه شده است.

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف

گویه ها	ضریب بدست آمده	نتیجه
نسبت عملکرد حسابرسان دارای شهرت مثبت به عملکرد حسابرسان دارای شهرت منفی	۰/۰۵۳	تایید نرمال بودن توزیع آماری
حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد	۰/۰۵۸	تایید نرمال بودن توزیع آماری
اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی	۰/۰۵۰	تایید نرمال بودن توزیع آماری

با توجه به نتیجه بدست آمده نرمال بودن توزیع همه گویه ها مورد تایید می باشد.

آزمون عدم هم خطی متغیرها (VIF)

جدول ۵- نتیجه آزمون عدم هم خطی

معادله مورد نظر	آماره VIF	تلورانس	نتیجه
نسبت عملکرد حسابرسان دارای شهرت مثبت به عملکرد حسابرسان دارای شهرت منفی	۱/۰۱	۰/۷۱	تایید عدم همخطی
حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد	۱/۰۴	۰/۷۳	تایید عدم همخطی
اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی	۱/۰۷	۰/۸۲	تایید عدم همخطی

تخمین مدل رگرسیونی

با توجه به توضیحات داده شده رگرسیون ذیل تخمین زده میشود:

$$Y_1 = \beta_0 + \beta_1.X_1 + \beta_2.X_2 + \varepsilon$$

جدول ۶- معرفی متغیرهای مدل رگرسیونی

متغیر	نماد	نوع متغیر
اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی	Y_1	وابسته
نسبت حسابرسان دارای شهرت مثبت به حسابرسان دارای شهرت منفی	X_1	مستقل
حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد	X_2	مستقل

جدول ۷- نتایج برازش مدل رگرسیونی

متغیر پاسخ: اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی			
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	آماره آزمون تی	سطح معناداری
ثابت معادله (α)	۰/۲۷	۲/۹۶	۰/۰۰۰
نسبت حسابرسان دارای شهرت مثبت به حسابرسان دارای شهرت منفی	۰/۳۶	۱۵/۰۲	۰/۰۰۰
حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد	-۰/۵۳	-۴/۲۶	۰/۰۰۰
آماره آزمون اف = $۴۵۹/۷۳$ سطح معناداری = $۰/۰۰۰$ ضریب تعیین = $۰/۸۸$ آماره دورین واتسون = $۲/۱۸$			

طبق جدول شماره ۷ تأثیر عملکرد حسابرس داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی در شرکتهای جنوب ایران مورد بررسی قرار گرفت؛ با توجه به آماره دورین واتسون و سطح معناداری دو شرط لازم برای تایید فرضیه فوق برقرار است چراکه می بایست آماره دورین واتسون بین $۱/۵$ و $۲/۵$ و سطح معناداری نیز صفر باشد.

بحث و نتیجه گیری

براساس نتایج بدست آمده و تجزیه و تحلیل صورت گرفته مشخص شد که عملکرد حسابرس داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری دارد. به طوری که دو شاخص مربوط به حسابرسان داخلی مانند نسبت حسابرسان دارای شهرت مثبت به حسابرسان دارای شهرت منفی و حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد به ترتیب دارای اثری مثبت و منفی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی میباشد؛ اما به دلیل اثرگذاری بیشتر مولفه اول یعنی نسبت حسابرسان دارای شهرت مثبت به حسابرسان دارای شهرت منفی بر متغیر وابسته، میتوان گفت به صورت کلی نقش عملکرد حسابرسان داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی مثبت و معنادار میباشد و حسابرسان داخلی با فعالیت خود میتوانند نقش مثبتی برای حسابرسان مستقل و نتایج آنها در گزارش حسابرسی داشته باشند که در نهایت منجر به ارتقاء کیفیت حسابرسی میشود.

نتایج فرضیه اصلی حاکی از آن است که تأثیر عملکرد حسابرس داخلی بر اقدامات ارتقاء کیفیت مورد تأیید قرار گرفت؛ باتوجه به تحلیل مدل رگرسیونی عملکرد حسابرسان داخلی در این مولفه که نسبت حسابرسان دارای شهرت مثبت به حسابرسان دارای شهرت منفی بررسی نموده است، می‌تواند بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی تأثیرگذار باشد؛ به طوری که با توجه به آزمون t در این پژوهش، نقش متغیر مستقل بر متغیر وابسته به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد؛ اما اثر حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی منفی و معنادار می‌باشد. به عبارتی هر ۲ شاخص مربوط به حسابرسان داخلی مانند نسبت حسابرسان دارای شهرت مثبت به حسابرسان دارای شهرت منفی و حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد به ترتیب اثری مثبت و منفی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی ایجاد میکند. این نتایج با پژوهش ایملی و همکاران (۲۰۲۲)، احمد جاوید و لطیف (۲۰۲۱)، پورطاهر اقدام و همکاران (۱۴۰۲)، هم‌راستا و هم‌سو می‌باشد.

نتایج فرضیه فرعی اول حاکی از آن است که تأثیر نسبت عملکرد حسابرسان دارای شهرت مثبت به حسابرسان دارای شهرت منفی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی مورد تأیید قرار گرفت؛ باتوجه به تحلیل مدل رگرسیونی نسبت حسابرسان دارای شهرت مثبت به حسابرسان دارای شهرت منفی می‌تواند اثر مثبتی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی ایجاد نماید؛ به عبارتی دیگر نسبت حسابرسان دارای شهرت مثبت به حسابرسان دارای شهرت منفی باعث ایجاد تغییرات مثبت در شفافیت اطلاعات و تهیه گزارش حسابرسی با کیفیت میگردد و کیفیت حسابرسی را ارتقاء میدهد. این نتایج با پژوهش ایملی و همکاران (۲۰۲۲)، ویجایا (۲۰۲۱)، عمویی و همکاران (۱۴۰۲)، هم‌راستا و هم‌سو می‌باشد.

نتایج فرضیه فرعی دوم حاکی از آن است که تأثیر عملکرد حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی مورد تأیید قرار گرفت؛ با توجه به تجزیه و تحلیل مدل رگرسیونی، چنانچه گفته شد حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد نیز میتواند اثر منفی بر اقدامات ارتقاء کیفیت حسابرسی ایجاد نماید، چراکه حسابرسان دارای رفتار ناکارآمد نمیتوانند فعالیتهای خود را به صورت صحیح به انجام برسانند و در این زمینه نسبت به حسابرسان دارای رفتار کارآمد ضعیفتر عمل میکنند بنابراین انتظار ارتقای کیفیت حسابرسی از چنین افرادی به مراتب کاهش می‌یابد و باعث میشود گزارش تنظیم شده به آن درجه از مطلوبیت نرسد. این نتایج با پژوهش ایملی و همکاران (۲۰۲۲)، پاتری (۲۰۲۱)، ارواحی و رجایی زاده هرنندی (۱۴۰۱)، هم‌راستا و هم‌سو می‌باشد.

پیشنهاد اول: می‌توان به شرکتها و حسابرسان پیشنهاد نمود جهت ارتقاء کیفیت حسابرسی به نقش عملکرد حسابرسان داخلی توجه نمایند تا با فعالیتهای دقیق و به موقع خود بتوانند نقش مثبتی در کیفیت حسابرسی و بهبود آن داشته باشند؛ همچنین سعی نمایند از حسابرسانی استفاده نمایند که دارای رفتار کارآمد باشند و فعالیتهای خود را با حوصله و درایت بیشتری به انجام برسانند تا اثرگذاری مثبت آن علاوه بر عملکرد شرکت، برای ذینفعان و استفاده کنندگان نیز مفید واقع شود و موجب اعتماد و ارزش شرکت شوند و بدینوسیله مشتریان خود را نیز افزایش دهند.

پیشنهاد دوم: می‌توان پیشنهاد نمود به شرکتها و عملکرد حسابرسان تا جهت ارتقای کیفیت حسابرسی بتوانند به حسابرسانی توجه نمایند که شهرت مثبت بیشتری نسبت به افراد دارای شهرت منفی دارند؛ چراکه حسابرسان دارای اعتبار و شهرت بالاتر میتواند نقش مثبت تری در فعالیتهای خود و تهیه گزارش حسابرسی داخلی داشته باشد، بنابراین میبایست حسابرسان را به لحاظ شهرت رتبه بندی نمود تا برای کسب این امتیاز تلاش نمایند و منجر به بهبود فعالیت خود شوند تا علاوه بر کسب شهرت، برای ارتقاء کیفیت حسابرسی نیز تلاش نمایند.

پیشنهاد سوم: می‌توان پیشنهاد نمود به شرکتها و عملکرد حسابرسان تا جهت ارتقای کیفیت حسابرسی به رفتار حسابرسان توجه نمایند؛ سعی نمایند از حسابرسانی استفاده نمایند که دارای رفتار مثبت و کارآمدی هستند، حسابرسانی که رفتار ناکارآمد دارند، علاوه بر عدم تمرکز در فعالیتهای میتواند به تهیه گزارش حسابرسی نیز اثری منفی داشته باشد که میتواند در این راستا پیشنهاد نمود برای حسابرسان برنامه های آموزشی در نظر بگیرند و باعث شوند با این برنامه ها میزان تمرکز و افکار حسابرسان را مدیریت نمایند تا بتوانند با انگیزه و مهارت بیشتری به فعالیت خود ادامه دهند و از میزان رفتار ناکارآمد آنها جلوگیری به عمل آید.

منابع و مأخذ

- ارواحی، سمانه، رجایی زاده هرنیدی، احسان (۱۴۰۱). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری؛ ۶(۸۴)، ۳۹-۵۵.
- پورطاهر اقدام، فرزانه، نیکومرام، هاشم، رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۴۰۲). تبیین روابط میان کیفیت حسابرسی و کارایی عملیاتی شرکت با در نظر گرفتن معیار تخصص حسابرس در صنعت و حق الزحمه حسابرسی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۲(۱)، ۱۰۵-۱۲۰.
- جامعی، رضا و رستمیان، آزاده (۱۳۹۴). تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگیهای سود پیش بینی شده. پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی؛ ۹(۲۰).
- زیوری کامران، محمدجعفر، فخاری، حسین (۱۳۹۶). تبیین الگوی حسابرسی داخلی اثربخش از منظر ذینفعان، فصلنامه علمی مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۶(۶۴)، ۸۱-۱۱۱.
- عمویی، مریم، فاضلی، نقی، فغانی ماکرانی، خسرو (۱۴۰۲). تعمیم پارادایم استرس در مقوله کیفیت حسابرسی با الحاق متغیرهای فرهنگ اخلاقی و فشار بودجه زمانی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۲(۱)، ۱۶۵-۱۸۲.
- نمازی، نویدرضا، عزیزی، پدرام (۱۴۰۰). بررسی تأثیر تعدیلی کیفیت حسابرسی بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و قیمت گذاری کمتر از واقع عرضه عمومی اولیه سهام، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۸(۶۹)، ۱۱۵-۱۴۴.
- Agyei-Mensah, B. K., & Yeboah, M. (2019). Effective audit committee, audit quality and earnings management: evidence from the Ghana Stock Exchange. *International Journal of Managerial and Financial Accounting*, 11(2), 93-112.
- Alhadab, M., & Clacher, I. (2018). The impact of audit quality on real and accrual earnings management around IPOs. *The British Accounting Review*, 50(4), 442-461.
- Arena, M., & Azzone, G. (2009). "Identifying Organizational Drivers of Internal Audit Effectiveness". *International Journal of Auditing*, 13, 43-60.
- Endaya, A& Hanefah, M. (2013). "Internal Audit Effectiveness: An Approach Proposition to Develop the Theoretical Framework". *Journal of Finance and Accounting*, 10, 92-103.
- Baker, H.K., & Anderson, R. (2010). "Corporate Governance: A Synthesis of Theory, Research, and Practice". *John Wiley & Sons. Hoboken, New Jersey*.
- Brazel, J. F., S. B. Jackson, T. J. Schaefer, and B. W. Stewart. 2016. The outcome effect and professional skepticism. *The Accounting Review* 91 (6): 1577-1599.

- Cohen, J., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. (2010). "Corporate Governance in the Post Sarbanes-Oxley era: Auditors' Experiences". *Contemporary Accounting Research* 27 (3), 751-786.
- Deumes, R., Schelleman, C., Vander Bauwhede, H., & Vanstraelen, A. (2012). Audit firm governance: Do transparency reports reveal audit quality?. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(4), 193-214.
- Emily S. Blum. Richard C. Hatfield. Richard W. Houston. (2022). The Effect of Staff Auditor Reputation on Audit Quality Enhancing Actions. *Accepted by Jacqueline S. Hammersley, under the Senior Editorship of Mary E. Barth.*
- Ferris, G. R., F. R. Blass, C. Douglas, R. W. Kolodinsky, and D. C. Treadway. 2003. Personal reputation in organizations. In *Organizational Behavior: The State of the Science*, edited by Greenberg, J., and J. Greenberg, 211-246.
- Gramling, A. A., Maletta, M. J., Schneider, A., & Church, B. K. (2004). "The Role of the Internal Audit function in Corporate Governance: A Synthesis of the Extant Internal Auditing Literature and Directions for Future Research". *Journal of Accounting Literature*, 23, 194-244.
- Nelson, M. W., and C. A. Proell. 2018. Is silence golden? Audit team leader reactions to subordinates who speak up "in the moment" and at performance appraisal. *The Accounting Review* 93 (6): 281-300.
- Prawitt, D. F., Sharp, N. Y., & Wood D. A. (2011). "Reconciling Archival and Experimental Research: Does Internal Audit Contribution Affect the External Audit Fee?" *Behavioural Research in Accounting* 23 (2), 187-206.
- Westermann, K. D., J. C. Bedard, and C. E. Earley. 2015. Learning the "craft" of auditing: A dynamic view of auditors' on-the-job learning. *Contemporary Accounting Research* 32 (3): 864-896.
- Wijaya, A. L. (2021). "The Effect of Audit Quality on Firm Value: A Case in Indonesian Manufacturing Firm", *Journal of Accounting, Finance and Auditing Studies*, 6.1. PP. 1-15.
- Zinko, R., G. R. Ferris, S. E. Humphrey, C. J. Meyer, and F. Aime. 2012. Personal reputation in organizations: Two-study constructive replication and extension of antecedents and consequences. *Journal of Occupational and Organizational Psychology* 85 (1): 156- 80.
- Zinko, R., G. R. Ferris, F. R. Blass, and M. D. Laird. 2007. Toward a theory of reputation in organizations. In *Research in Personnel and Human Resources Management, Volume 26*, edited by Martocchio, J. J., 163-204.

The role of internal auditor performance on audit quality improvement measures

Morteza Bavaghar^{*1}
Alireza Khialestan²

Abstract

The purpose of this study is to determine the effect of the internal auditor's performance on audit quality improvement measures in companies in southern Iran. The research method was quantitative and descriptive-survey and applied, and the research data was collected cross-sectionally and in the first half of 2024, through a questionnaire that was distributed among the sample members and within a certain period of time, and the validity was in the form of face validity. And the reliability of the data was analyzed using Cronbach's alpha test and its regression analysis. In this regard, the statistical population is companies in southern Iran, and the statistical sample includes 85 internal auditors active in these companies, who were selected using the census method. The results of the research indicate that the performance of the internal auditor has a positive and significant effect on the improvement of audit quality in companies in the south of Iran. Therefore, the ratio of auditors with a positive reputation to auditors with a negative reputation has a positive effect and auditors with inefficient behavior have a negative effect on the improvement of audit quality, but in general and with a higher coefficient of effectiveness, the first special hypothesis of the role of internal auditors on audit quality improvement measures is positive.

Keywords

Internal auditor, promotion measures, audit quality, ineffective behavior, positive reputation, negative reputation

-
1. Assistant Professor of Accounting Department, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. (* Corresponding author: bavagharmorteza@gmail.com)
 2. PhD student in accounting, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran (khialestanalireza@gmail.com)